

## بیداری کارگران و هراس ارتجاع

طبقه کارگر بیدار شده است. اعتراضات و مبارزات کارگری سراسر ایران را فراگرفته است. باگذشت هرروز دامنه اعتراضات وسعت می‌گیرد و گسترش می‌یابد. در بطن این مبارزه، کارگران به سرعت آگاه شده و خود را متشکل می‌کنند. خواست‌ها و شعارهای کارگران به نحو روزافزونی خصلت سیاسی به خود گرفته است. این‌همه بدان معناست که طبقه کارگر مراحل خودآگاهی طبقاتی را پی‌درپی طی می‌کند. هیچ‌گاه در تاریخ جنبش کارگری ایران، جنبشی در این وسعت وجود نداشته است. هیچ‌گاه جوشش درونی جنبش کارگری به چنین ابعادی نرسیده بود. بنابراین، روشن است که طبقه سرمایه‌دار و تمام مرتجعین حاکم بر ایران باید از این رشد و اعتلای جنبش کارگری، به هراسی مرگبار گرفتار شده باشند.

اظهارات اخیر خامنه‌ای، به‌عنوان نماینده و سخنگوی شاخص تمام مرتجعین حاکم بر ایران، پرده از رعب و هراسی که رشد جنبش کارگری در دل ارتجاع طبقاتی و مذهبی افکنده است، برداشت. وی دریکی از روضه‌خوانی‌های اخیر خود که در هفته‌های اخیر متن آن انتشار یافت، گفت:

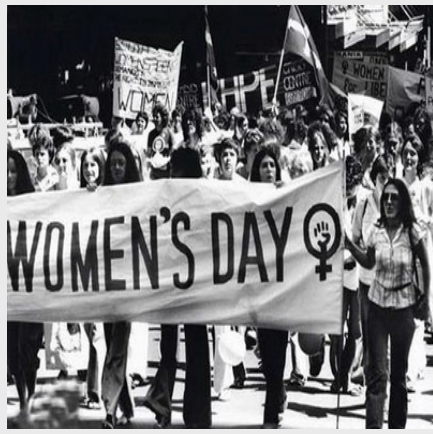
" بنده بارها این را در سخنرانی‌ها، خطاب به کارگران عزیزمان گفته‌ام که ضدانقلاب کشور از اول چشمش به کارگرها بود بلکه بتواند جامعه کارگری را به نحوی علیه جمهوری اسلامی تحریک کند؛ از روز اول یعنی از همان روز پیروزی انقلاب، این حالت وجود داشت..... یکی از کارهای اساسی دشمنان ما این است که شاید بتوانند در کارخانه‌های ما، در مجموعه‌های کارگری ما، مخصوص مجموعه‌های بزرگ، یک رکودی، لنگی‌ای از سوی کارگران به وجود بیاورند؛ کارگرها را [به این کار] وادار کنند."

خامنه‌ای با این اظهارنظر، خود اذعان دارد که جمهوری اسلامی و سران آن، همواره نگران رشد مبارزات طبقه کارگر ایران بوده و همواره تمام تلاش خود را برای مقابله با جنبش طبقه کارگر به کار گرفته‌اند. جز این نیز نمی‌توانست باشد، چراکه اساساً رژیم ضدانقلابی و ارتجاعی

درفصحه ۲

## روز جهانی زنِ دیگرگونه‌ای رقم زنیم

درفصحه ۳



## کارگران وارد خیابان شده‌اند

درفصحه ۸

## در رنجی می‌زیند که از آن شان نیست

نزدیک به چهار ماه از زلزله کرمانشاه می‌گذرد. زلزله ای ۳ / ۷ ریشتری که در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ در مناطق غربی کشور رخ داد. با وقوع زلزله و عدم امداد رسانی لازم دولت به مردمی که زیر آوار سنگین زلزله گرفتار بودند، حدود ۵۰۰ نفر کشته و هزاران تن دیگر بی سرپناه شدند. شهرهای سرپل ذهاب، کرد، قصر شیرین و روستاهای نواحی این شهرها از جمله مناطقی بودند که بیشترین تلفات جانی و ویرانی حاصل از زلزله را متحمل شدند.

با گذشت چندین ماه از وقوع زلزله، هنوز بسیاری از مردمان زلزله زده خصوصاً ساکنین نواحی روستایی در شرایط بسیار اسفبار و بی بهره از حداقل امکانات لازم گرمایی و بهداشتی در چادر بسر می‌برند. در بهمن ماه گذشته، تعدادی از کودکان به دلیل سرما و فقدان امکانات گرمایی لازم جان باختند، تعدادی از سر استیصال خودکشی کردند و شرایط زندگی برای مردم بی پناه و بی خانمان این منطقه، روز از پس روز وخیم تر شده است.

با گذشت چهار ماه که بیش از ۲ هزار نفر از زلزله زدگان کماکان در چادر زندگی می‌کردند، بارندگی و جاری شدن سیل در روزهای پایانی بهمن ماه مزید بر علت شد، تا رنجی افزونتر از

درفصحه ۵

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

روزانه بر تعداد زندانیان سیاسی از میان کارگران، زنان، روشنفکران، جوانان، اقلیت‌های ملی و مذهبی، روزنامه‌نگاران، فعالین شبکه‌های اجتماعی، فعالین تشکلهای غیردولتی و دانشجویان افزوده می‌شود. افزایش زندانیان سیاسی رابطه‌ای مستقیم با بحران انقلابی حاکم بر جامعه دارد. در آستانه بهار، همراه با خانواده‌های زندانیان سیاسی و با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، ضمن حمایت از خواست‌ها و مبارزات زندانیان سیاسی، به استقبال سال نو برویم.

در طول ۳۹ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، بدون تردید زندان‌ها نقش بسیار مهمی در تحکیم و حفظ مناسبات موجود داشته‌اند. رژیمی که مهمترین ابزارش برای بقا سرکوب است، از زندان به‌عنوان ابزاری برای قتل، شکنجه، به بند کشیدن و در نهایت ایجاد ترس و دلهره در میان

درفصحه ۴

## گزارش کوتاهی از تجمع کارگران فولاد خوزستان

درفصحه ۷

## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

درفصحه ۲

## بیداری کارگران و هراس ارتجاع

جمهوری اسلامی و سران مرتجع آن، از همان آغاز وظیفه‌های جز این نداشتند که با درهم شکستن انقلاب، به‌ویژه، طبقه کارگر ایران را سرکوب کنند که همواره خطری جدی برای بقای نظم سرمایه‌داری است.

این دشمنی آشفتنی‌ناپذیر جمهوری اسلامی با طبقه کارگر از دو منبع سرچشمه می‌گیرد. نخست اینکه اساسی‌ترین وظیفه جمهوری اسلامی به‌عنوان دولت پاسدار نظم موجود و منافع سرمایه‌داران، سرکوب و به بند کشیدن کارگران است. بنابراین از همان نخستین روز به قدرت رسیدن در ایران، اصلی‌ترین وظیفه خود را سرکوب و مهار اعتراضات کارگری قرارداد. در اینجا مجال نیست که به صدها نمونه از اقدامات ضد کارگری رژیم در آن سال‌ها اشاره شود. در طول تمام این سال‌ها نه‌فقط کارگران را از ابتدایی‌ترین حقوق محروم کرد تا سرمایه‌داران بی‌دغدغه آن‌ها را استثمار کنند، بلکه اعتراضات کارگران را با گسیل نیروی سرکوب در هم شکست. در طول این چهار دهه‌ای که از استقرار جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد، هزاران کارگر دستگیر و در زندان‌ها به بند کشیده شدند. صدها تن از پیشروترین و آگاهترین کارگران نیز اعدام شدند.

دوم این‌که دولت پاسدار منافع سرمایه‌داران در ایران، یک دولت دینی است که روحانیت به‌عنوان یک کاست، منافع و نقش ویژه‌ای نیز در آن دارد. در سراسر تاریخ بشری از هنگام پیدایش جامعه طبقاتی، وظیفه دستگاه روحانیت تقدیس و جانب‌داری از نظم ستمگرانه و طبقات ستمگر و استثمارگر از طریق تبلیغ و ترویج خرافات دینی و تحمیل معنوی توده‌های زحمتکش و ستمدیده بوده است. در ایران هم وضع بر همین منوال بوده است. این سنز و دشمنی دستگاه روحانیت با طبقات تحت ستم، به‌ویژه در جامعه سرمایه‌داری با طبقه کارگر، به نهایت خود رسیده است. چراکه طبقه کارگر برای نخستین بار در تاریخ بشریت، برانداختن تمام نهادهای طبقاتی، از جمله دستگاه انگل روحانیت را که وظیفه‌اش فریب و تحمیل توده‌ها است، هدف خود قرار داده است.

اما نگرانی و هراس امروز امثال خامنه‌ای بسی فراتر از گذشته و حتی اعتلای جنبش کارگری در نخستین سال‌های پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی است. اکنون جمهوری اسلامی با مجموعه‌ای از بحران‌های ژرف مواجه است. ادامه این بحران‌ها، تشدید تضادهای شکست‌ها و بن‌بست‌های غیرقابل‌عبور طبقه حاکم، به یک بحران سیاسی انجامیده است. دوران نوینی در زندگی سیاسی توده‌های مردم ایران برای روی‌آوری به انقلاب و سرنگونی نظم موجود فرارسیده است. در یک چنین شرایطی است که طبقه کارگر ایران، به مصاف مستقیم و رودرروی با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برخاسته است.

طبقه کارگر ایران به‌رغم تمام موانع، بی‌حقوقی و سرکوب‌های رژیم در طول چهار دهه، به رشد و تکامل خود ادامه داده و تجارب فراوانی

## خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

" هجوم شبانه به منازل کارگران صنایع فولاد و بازداشت بیش از ده کارگر شدیداً محکوم می‌کنیم" عنوان اطلاعاتی ای است که سازمان در یازده اسفند ۹۶ به مناسبت بازداشت کارگران صنایع فولاد اهواز انتشار داد. در این اطلاعیه چنین می‌خوانیم: "در نهمین روز اعتصاب متحدانه، تجمعات پرشور در مقابل استانداری خوزستان و راه پیمانی کارگران گروه ملی صنایع فولاد در سطح شهر اهواز، نیروهای انتظامی و سرکوب، شبانه به منازل تعداد زیادی از کارگران یورش بردند و بیش از ده تن از کارگران معترض را بازداشت نموده و به زندان مرکزی اهواز منتقل کردند. حمله وحشیانه به کارگران و بازداشت آن‌ها در شب گذشته، در حالی صورت می‌گیرد که بیش از چهار هزار کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز بیش از سه ماه دستمزد معوقه دارند و در عین حال حق سنوات و عیدی و پاداش پایان سال آن‌ها نیز پرداخت نشده است. پس از هشت روز اعتصاب و تجمع، دوروز پیش فقط دستمزد آذر ماه کارگران به آن‌ها پرداخت شد." در ادامه اطلاعیه ضمن اشاره به شعارهای گوناگونی که توسط کارگران سر داده شد چنین آمده است:

دستگاه حکومتی از بیم گسترش اعتصاب و راه پیمانی کارگران صنایع فولاد اهواز به سایر واحدهای تولیدی و خدماتی استان خوزستان، طبق معمول به قهر و سرکوب کارگران متوسل شد. علاوه بر بازداشت بیش از ده کارگر اعتصابی توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، پی‌گرد و تعقیب و پرونده سازی برای بسیاری دیگر از کارگران را نیز آغاز کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) بازداشت کارگران گروه ملی فولاد اهواز، تعقیب و پی‌گرد و پرونده سازی علیه آن‌ها را قویاً محکوم میکند و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط بازداشت شدگان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات و خواست‌های کارگران گروه ملی صنایع فولاد اهواز حمایت می‌کند و سایر کارگران استان خوزستان را به حمایت از این کارگران فرا می‌خواند.

کسانی خارج از جنبش کارگری، کارگران را تحریک می‌کنند و گویا این همه مبارزات روزمره کارگران با تحریک بیرونی رخ داده است. کارگران نه تحریک می‌شوند و نه نیازی به تحریک شدن دارند. این زبان ارتجاع است. این یاور سرانی دشمنان طبقه کارگر است. ارتجاع طبقاتی و مذهبی خود را به نفهمی می‌زند. نمی‌تواند اذعان کند که این شرایط کار و زندگی طبقه کارگر است که محرک مبارزه کارگران علیه نظم سرمایه‌داری و روی‌آوری آن‌ها به سوسیالیسم است. این مبارزه فقط نجات‌بخش خود طبقه کارگر نیست، بلکه نجات‌بخش عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران از تمام فجایعی است که جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌داری به بار آورده‌اند. چندان نیز به طول نخواهد انجامید که این رژیم ستمگر به دست توانای طبقه تاریخ‌ساز ایران سرنگون گردد.

اندوخته است. کارگران امروز، دیگر کارگران چهل سال پیش نیستند که اکثریت آن‌ها تازه از روستاها روانه شهرها شده بودند و هنوز اسیر خرافات مذهبی بودند. کارگران به‌ویژه در طول یک دهه اخیر، در جریان مبارزات بی‌وقفه خود، به نحو روزافزونی آگاه شده و خود را متشکل ساخته‌اند. این مبارزات، اکنون به مرحله‌ای رسیده است که در هر روز و در هر هفته چندین اعتصاب، تجمع و تظاهرات کارگری رخ می‌دهد. در طول یک سال اخیر، صدها مورد از اعتراضات کارگری در اشکال متعدد به وقوع پیوسته است. صدها هزار کارگر در این اعتراضات شرکت کرده‌اند. همبستگی طبقاتی و وسیعاً در صفوف کارگران افزایش یافته است. مطالبات کارگران دیگر محدود به پرداخت دستمزدهای معوقه نیست. در اغلب اعتراضات کارگری، سران و مقامات رژیم مورد حمله قرار می‌گیرند و به محاکمه کشیده می‌شوند. کارگران، آشکارا فساد را که سرانپای دستگاه دولتی و مقامات آن را فرا گرفته است، به باد انتقاد می‌گیرند و محکوم می‌کنند. تمام این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که کارگران ایران نه‌فقط هیچ‌گونه توهمی به بهبود وضع موجود و جناح‌های سیاسی آن ندارند، بلکه بالعکس، نمی‌خواهند نظم موجود را تحمل کنند. توده‌های طبقه کارگر در سراسر ایران به نبرد علیه جمهوری اسلامی و نظم حاکم برخاسته‌اند.

طبقه کارگر، پیش‌تازی خود را در مبارزه به همگان نشان داده و پیگیر و استوار به این مبارزه ادامه می‌دهد. در ایران به‌جز طبقه کارگر هیچ قشر و گروه اجتماعی دیگری رسالت و قدرت برپائی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارد. از همین روست که اکنون عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران، متحد پیگیر و قابل‌اعتماد خود را برای تحقق خواست‌هایشان در طبقه کارگر یافته‌اند. شعار اتحاد با طبقه کارگر در تجمعات و راهپیمایی‌های متعدد سر داده می‌شود.

طبقه کارگر که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد، با نقشی که در تولید دارد، پیگیری‌اش در مبارزه که برخاسته از این واقعیت است که هیچ نفعی در حفظ نظم موجود ندارد و سلاح‌های قدرتمندی که برای مبارزه و سرنگونی نظم موجود در اختیار دارد، از جمله اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، برپائی تظاهرات توده‌ای و قیام مسلحانه، قادر است جمهوری اسلامی را سرنگون کند و طبقه حاکم را براندازد. این بدان معناست که جامعه ایران به‌سوی یک انقلاب کارگری پیش می‌رود. انقلابی که می‌خواهد طبقه حاکم را سرنگون و دولت آن را براندازد و به‌جای آن، دولت شورایی را که ابزار اقتدار و فرمانروائی سیاسی طبقه کارگر است، مستقر سازد. می‌خواهد تمام نظم اقتصادی- اجتماعی موجود را براندازد و به‌جای آن نظامی سوسیالیستی را برپا دارد.

پس روشن است که چرا خامنه‌ای و تمام ارتجاع باید نگران و در هراس باشند. خامنه‌ای در این هراس، نابودی جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌داری را می‌بیند و به اعوان و انصار خود هشدار می‌دهد که کارگران به پا خاسته‌اند، چارمجویی کنید. بی‌دلیل نیست که وی بار دیگر اعتلای جنبش کارگری را در دوره قبل از سال ۶۰ به یاد می‌آورد، اما ابلهانه ادعا می‌کند که

## روز جهانی زن دیگرگونه‌ای رقم زنیم

روز جهانی زن دیگر و دیگرگونه‌ای در پیش است. دیگر، چرا که سالی گذشت و دیگرگونه پس اعتراضات سراسری اخیر محرومان و تهیدستان. در کوران مبارزات اوج‌یابنده کارگری. اعتراضاتی که پا از ممنوعه‌ها فراتر گذاشتند و زنان، در عبور از این ممنوعه‌ها، از پیشگامان بودند. هستند.

"دختران خیابان انقلاب" پیوندگاه خواهندگان "کار، نان، آزادی" و برابری جنسیتی‌اند. با دریافت جوشش جامعه و رویدادهای آتی. چرا که خود از این خواهندگان‌اند. پس، در خیابان‌ها، بر بلندی‌ها شدند، حجاب اجباری را بر سر چوبی کرده و بر نبود برابری و آزادی اعتراض کردند. آنها بر حق انتخاب ازادانه پوشش، پای فشاری. هرچند بسیاری، پیش‌تر هم در برابر حجاب اجباری "مطلوب" حاکمان مقاومت کرده و به سخره گرفته بودندش، اما این بار، دختران انقلاب، کنش‌پذیر نیستند، بلکه کنش‌گرانی‌اند مدعی خیابان‌ها و فضاهای عمومی، بی‌هراس از واکنش خشن و ددمنشانه گزمکان و فریاد "اوویلا اسلام" مرتجعان.

گرچه دختران خیابان انقلاب، چند ده تن بیش نیستند، اما پشتوانه‌شان همدلی و توافق توده زنان و مردان است. همدستانانی زن انقلاب. زنان و مردان کارگر و زحمتکش، کمونیست و چپ، آزادی‌خواه و برابری‌طلب. به همین دلیل نیز تن به خطر داده‌اند، با وجود فروکش موج اولیه اعتراضات سراسری. دختران انقلاب، ادامه‌دهندگان راه زنی‌اند که ۱۷ اسفند ۵۷ به خیابان‌ها آمدند و بر فرمان حجاب اجباری خمینی شوریدند. شورشی که حتا برای اندک مدتی، اسلام‌گرایان نورسیده را عقب راند.

اما امروز، زنان ایران، از همان حجاب اجباری خمینی و همدستانش، خنجری ساخته‌اند تا بر پهلوی رژیم ساخته و پرداخته‌شان فرود آورند. حجاب اجباری، آن تکه پارچه‌ای نیست که بر زنان تحمیل شده است. این حجاب نمادی‌ست از تمامی تبعیض‌ها و ستم‌های تحمیلی دهه‌های اخیر بر زنان؛ نمادی از تمایل دین‌مداران حاکم به بیرون راندن زنان از عرصه‌های اجتماعی و هم‌زمان نیاز طبقه حاکم به نیروی کار ارزان زنان؛ دوگانه‌ای که بیکاری را بهره‌ی زنان کرده است و بیگاری را؛ نمادی از مهر "جنس دوم" بر زنان به مدد قوانین شرعی؛ نمادی از تولید بازتولید مردسالاری؛ نمادی از تحمیل نقش همسری و مادری به زنان بدون برابری با شوهران، یا حق مادری بر فرزندان؛ نمادی از سلب حقوق نیمی از جامعه.

با سرکوب خونین اوایل دهه‌ی شصت، وقفه‌ای پدید آمد و گسست آگاهی و بی‌تجربه‌گی، جبر پس از آن بود. راه درازی طی شد. در این مسیر بودند فریب‌کارانی که تمامی هم خود را به کار بستند تا زنان را به درپوزگی به درگاه تبعیض‌گران و ستم‌کاران ببرند. وعده‌های

فراوانی می‌دادند. می‌گفتند: "سیاهی‌لشگر ما شوید تا ما به نان و نوایی برسیم، سهم شما هم فراموش نمی‌شود." برخی، سیاهی‌لشگر شدند و سهمی نبردند. می‌گفتند "صبر کنید و مدارا تا تکه استخوانی از دهان این درندگان بریابیم و به شما دهیم." بودند کسانی که باور کردند. زمان گذشت و جز زنانی معدود از تبار و هم‌رای حاکمان زن‌ستیز، توده زنان نصیبی که نبردند، هیچ، قانون پشت قانون و فرمان پشت فرمان صادر شد تا همان اندک بقایا هم رپوده شود. مدعی شدند اسلام با حقوق زنان سازگاری دارد و معجون مضحک "فمی‌نسیسم اسلامی" را ساختند. تارپیک‌اندیشان "اصلاح‌طلب"، همان همدستان دیروزین خمینی در برپایی جمهوری اسلامی، برای زدودن مرز توده‌های مردم با خود، خود را صدای توده زنان نامیدند. بی آن که درد مشترکی با آنان داشته باشند. غدارانی، نیز، داخلی و خارجی، جارچی‌شان. چرا که هدف یکی بود: حفظ جمهوری اسلامی و سامانه‌ی طبقاتی مطلوب‌شان. کسانی آمدند و مدعی شدند: "کلیدها را ما در دست داریم." به زودی روشن شد که آنان کلیددارند، اما کلیددار دوزخ.

هرچند، این راه دراز به بهبودگی نگذشت. در این راه، ادعاها، محک زده شدند؛ راه‌کارها آزمون شدند؛ تجربه‌ها اندوخته شدند. تجربه‌هایی که امروز توشه راه‌اند. در این راه، پرده فریب و توهم از هم دریده شد و زنان دریافتند با همه دشواری‌ها و مشقت‌ها، چنگ زدن به هر خس و خاشاکی، راهگشا نیست؛ دریافتند خود، چشمه‌ی جوشان نیروی تغییر و دگرگونی‌اند؛ دریافتند توانمندی در کنش‌گری در سپهر عمومی‌ست؛ دریافتند پیوند مبارزیشان با مبارزات عمومی و سراسری، حقوق‌شان را بازمی‌گرداند و پیروزی را میسر می‌سازد. مبارزه برای جدایی کامل دین از دولت. برای سرنگونی رژیم دینی زن‌ستیز.

حجاب اجباری، نمادی‌ست از وضعیت فرودست زنان ایران، و شوریدن بر آن، شوریدن بر فرودستی‌ست. رژیم هم وقوف دارد. از همین‌رو هراسان و ددمنشانه به مصاف زنان معترض می‌رود. چرا که می‌داند مبارزه زنان، در ادامه، از مبارزه با حجاب اجباری درخواهد گذشت و به گستره‌های دیگر می‌گسترند. آگاه است این مبارزه، پاره‌ای‌ست ناگسستی از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای رهایی از نکبت جمهوری اسلامی و رهایی از نظام سرمایه‌داری. بی‌دلیل نیست که روز جهانی زن، در ابتدا، روز جهانی زنان کارگر نام داشت. این روز از دل مبارزه زنان کارگر برای کاهش ساعات روزانه کار و برای کسب حق رأی پدیدار گشت. پایه‌گذاران این روز، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌هایی بودند، مدافع زنان کارگر، برابری کامل زنان با مردان در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، هم‌رزم زنان و باورمند به لزوم پیوند میان مبارزات زنان و کارگران. آنان بودند که روز جهانی زن را در سراسر جهان برقرار و پایدار کردند. رویدادهای دی ماه، از اعتراضات سراسری تا اعتراضات زنان، تأیید دیگری بود بر این تجربه که در میانه‌ی اقیانوسی از ستم و نابرابری، هیچ جزیره‌ای به تنهایی نمی‌تواند به حقوق‌اش دست یابد.

پس اکنون که روز جهانی زن دیگری در پیش است، زنان و مردان کارگر و زحمتکش، زنان و مردان کمونیست و چپ، زنان و مردان برابری‌طلب و آزادی‌خواه دست به دست هم دهیم و در روز جهانی زن پیش‌رو و بار دیگر، خیابان‌ها را به تصرف خود درآوریم و روز زن دیگرگونه‌ای را رقم زنیم. روز جهانی زن بر تمامی کوشندگان رهائی زن و برابری زن و مرد، گرمی باد.



## زندانی سیاسی آزاد باید گردد



توده‌ها بهره می‌برد و این را تاریخ معاصر ایران گواه است.

در حالی که با قیام پرشکوه توده‌ها در سال ۵۷، هزاران زندانیان سیاسی از بند رها شدند، اما دیری نپایید که زندان‌ها باردیگر از زندانیان سیاسی لبریز شدند. این موضوع بویژه ریشه در توده‌ای شدن برخی از سازمان‌های سیاسی، به ویژه تشکل‌های چپ و انقلابی داشت که نقش مهمی در تحولات آن روز جامعه ایفا می‌کردند. جمهوری اسلامی می‌دانست که در صورت ادامه‌ی این روند و افشای چهره‌ی واقعی آن، بزودی توسط توده‌ها، توده‌هایی که آن را بر سر قدرت آورده بودند، سرنگون خواهد شد. بنابر این از همان ابتدا تا آنجا که توان داشت، به سرکوب و کشتار مخالفان دست زد. از کردستان تا ترکمن‌صحرا، از خوزستان تا بلوچستان. از انحلال شوراهای کارگری و اخراج و به بند کشیدن کارگران پیشرو تا یورش به دانشگاه‌ها و دفاتر سازمان‌های سیاسی.

سیاستی که بویژه پس از آغاز جنگ ایران و عراق شتاب بیشتری یافت. در واقع مهم‌ترین هدف جمهوری اسلامی از آغاز جنگ، تحکیم موقعیت خود در داخل و سرکوب مخالفان بود، برای همین هم بود که خمینی جنگ را "برکت الهی" نامید. از همان زمان است که زندان‌ها بویژه زندان اوین روزانه شاهد ورود زندانیان سیاسی جدیدی از میان هواداران و فعالین گروه‌های سیاسی چپ و انقلابی است. دستگیری و شکنجه در زندان‌ها به حدی در جامعه بازتاب یافت که همان سال ۵۹ جمهوری اسلامی مجبور شد به صورت ظاهری هیاتی را مأمور رسیدگی به وضعیت زندان‌ها کند، هیاتی که البته فقط برای خواباندن سروصداها تشکیل شده و قرار نبود کاری صورت دهد.

با پایان خرداد سال ۶۰ اما هجوم سراسری به مخالفان سیاسی با بهانه‌های پیش پا افتاده آغاز شد، هجومی که پیش از آن تدارک دیده شده بود و دو ماه قبل از آن سازمان ما با انتشار اسنادی آن را افشا کرده بود. به یکباره و با هجوم سراسری ده‌ها هزار نفر دستگیر شدند.

این هجوم اما برای شکست قطعی انقلاب بود. جمهوری اسلامی در دهه‌ی اول حاکمیت خود که تا تابستان ۶۷ طول کشید، بیش از ۱۰۰ هزار نفر را به بند کشید و هزاران نفر را در زندان‌ها به قتل رساند. و این‌ها همه بخشی از جنایاتی بود که جمهوری اسلامی برای تثبیت حاکمیت خود و سرکوبی توده‌ها و نیروهای کمونیست و انقلابی صورت داد.

اگرچه تا پایان سال ۶۷ و با کشتار هزاران زندانی سیاسی، زندان‌ها تا حدود زیادی از زندانیان سیاسی خالی شدند، اما دیری نپایید که زندانیان سیاسی جدیدی پای به زندان نهادند. هر اعتراض توده‌ای همراه بود با سرکوب و دستگیری معترضان و در این میان زندان به عنوان بخشی از دستگاه سرکوب جایگاه خود را

داشت. اما هنوز و به دلیل شکست انقلاب و رکود نسبی حاکم بر جامعه، و به رغم نارضایتی عمیق توده‌ای، تعداد زندانیان سیاسی محدود بود.

به موازات رشد اعتراضات توده‌ای و بحران حاکم بر جامعه، بر تعداد زندانیان سیاسی افزوده شد، بویژه در جریان و پس از اعتراضات توده‌ای سال ۸۸. پیش از آن ترکیب زندانیان سیاسی عموماً از میان دانشجویان، روشنفکران، اقلیت‌های ملی و مذهبی و کارگران بود. اما در پی اعتراضات توده‌ای سال ۸۸، تعداد زیادی از جوانان دستگیر شدند که در زندان‌ها به شدت مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند، از جمله در زندان کهریزک که به گذشته شدن حداقل ۵ زندانی منجر شد. همچنین بر تعداد زندانیان سیاسی زن نیز به دلیل نقشی که در اعتراضات داشتند افزوده شد، نقشی که به ویژه متأثر از تشدید منجرکننده‌ی تبعیض جنسیتی در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بود.

از آن سال به بعد مساله "زندانی سیاسی" و "آزادی زندانیان سیاسی" ابعاد توده‌ای به خود گرفت که البته نقش شبکه‌های اجتماعی در آگاه کردن توده‌ها به این مساله مهم بود. این روند ادامه پیدا کرد تا ماه‌های اخیر و اعتراضات دی‌ماه. اعتراضاتی که به گفته‌ی مقامات حکومتی ۵۰۰۰ نفر دستگیر شدند و از این میان ۴۳۸ نفر به زندان‌ها منتقل شدند و ۵۵ نفر در اختیار وزارت اطلاعات روحانی قرار گرفتند. در ادامه نیز شاهد بازداشت حداقل ۳۰۰ نفر در درگیری‌های خیابان پاسداران بودیم. دختران خیابان انقلاب نیز گروه دیگری از زندانیان سیاسی شدند.

افزایش شمار زندانیان سیاسی، همان‌طور که مشخص است، ارتباط مستقیمی با توده‌ای تر شدن اعتراضات دارد و طبیعی‌ست که با توجه به بحران انقلابی حاکم مدام بر شمار زندانیان سیاسی افزوده شود.

اگر در اوایل دهه‌ی ۵۰، و در نتیجه‌ی تلاش رژیم شاه برای سرکوب و از هم پاشیدن سازمان‌های کمونیست و انقلابی، زندانیان سیاسی از فعالین و هواداران گروه‌های سیاسی بودند، در اواخر عمر حکومت سلطنتی و

هم‌زمان با رشد بحران سیاسی و تبدیل آن به یک بحران انقلابی بر تعداد زندانیان سیاسی که به دلیل شرکت در اعتراضات توده‌ای دستگیر می‌شدند افزوده گردید. همین حکایت را امروز هم داریم. اگر در دهه‌ی اول حاکمیت جمهوری اسلامی، زندان‌ها از هواداران و فعالین سازمان‌ها و به منظور سرکوب سازمان‌های مخالف بویژه کمونیست‌ها پُر شد، اکنون و با گسترش بحران و تبدیل آن به یک بحران انقلابی شاهد حضور مردان و زنانی هستیم که بدون وابستگی به سازمان‌ها و به دلیل شرکت مستقیم در اعتراضات مختلف دستگیر می‌شوند.

صدور احکام سنگین علیه دستگیرشدگان اخیر، شکنجه و قتل در زندان‌ها، تهدید به اعدام سریع برخی از دستگیرشدگان درگیری‌های خیابان پاسداران، تهدید دختران خیابان انقلاب به صدور احکامی از یک تا ده سال زندان، همه نشان می‌دهند که تا چه حد زندان به عنوان بخشی از دستگاه سرکوب برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد. صدور حکم ۵ سال زندان برای یک نوجوان ۱۵ ساله ملایری از سوی دادگاه همدان نشان از عمق کینه و ترس جمهوری اسلامی دارد.

دقیقاً به همین دلیل است که حمایت از زندانیان سیاسی با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" اهمیت پیدا می‌کند. اگر زندان ابزاری برای سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است، با تبدیل شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به یکی از شعارهای اصلی در اعتراضات و تجمعات، این ابزار را به ضد آن تبدیل کنیم. با حمایت از زندانیان سیاسی، مقاومت در زندان را تقویت کنیم، همان‌طور که مقاومت زندانیان سیاسی در زندان در سال‌های ۵۰ و ۶۰ به کابوس حاکمان در رژیم‌های سلطنتی و جمهوری اسلامی تبدیل شده بود.

در آستانه بهار به حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده‌های‌شان برخاسته و صدای آن‌ها شویم.



## در رنجی می زیند که از آن شان نیست



حال، با صرف هزینه های کلان به ساختن پایگاه نظامی در سوریه مشغول است. (۱). این است ماهیت سرکوبگرانه و به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران. این است چهره ضد مردمی نظامی که توده های مردم خود را در فقر و فلاکت نگه می دارد و در همان حال، حاصل کار و دسترنج آنان را صرف جاه طلبی های خود در منطقه می کند.

طی ماه های گذشته، رنجی که بر زلزله زدگان کرمانشاه رفته است و این روزها با جاری شدن توفان و سیل در شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب فاجعه بارتر هم گذشته است، رنجی نیست که از آن زلزله زدگان و توده های مردم ایران باشد. ایران کشوری غنی با گستره ای سرشار از ثروت و منابع زیر زمینی گران بهاست. توده های زحمتکش ایران با برخورداری از چنین ثروت عظیمی که در کشور ما موجود است، حق دارند در رفاه و آسایش کامل زندگی کنند، حق دارند از تمام ناپسامانی های که جمهوری اسلامی بر آنان تحمیل کرده است، رها شوند، حق دارند بدون از هرگونه ستم و سرکوب، بدون از هرگونه تبعیض و نابرابری، بدون از هرگونه فقر و مشقت زندگی کنند، حق دارند از آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده و اجتماعات برخوردار باشند. در حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی اما، همه این حق و حقوق اولیه از آنان سلب شده است.

پوشیده نیست با استمرار جمهوری اسلامی، نه تنها کمترین گشایشی در زندگی توده های مردم ایران حاصل نمی شود، نه تنها مرهمی بر جراحات وارده بر جسم و جان شان گذاشته نمی شود، بلکه اوضاع از جمیع جهات از آنچه که هست، وخیم تر هم خواهد شد. پایان دادن به رنجی که تمام آسیب دیدگان جامعه بدان گرفتارند، رنجی که از آن شان نیست اما، طی چهار دهه در چنبره آن دست و پا می زنند، فقط و فقط با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان میسر می شود. استقرار حاکمیتی شورایی که کارگران و توده های زحمتکش جامعه، حاکم بر سرنوشته خویش باشند.

(۱): شبکه تلویزیون فاکس نیوز روز سه شنبه هشتم اسفند به نقل از منابع اطلاعاتی غربی گزارش داد که، جمهوری اسلامی ایران یک پایگاه نظامی همیشگی دیگر در ۸ مایلی شمال دمشق برپا کرده است. این پایگاه توسط نیروی قدس سپاه پاسداران ایجاد شده که می تواند از آنجا خاک اسرائیل را هدف موشک های خود قرار دهد.

می کند. این رقم، حدودا معادل ۲۳ هزار میلیارد تومانی است که هیئت دولت در بودجه سال ۹۷ برای پرداخت یارانه نقدی لحاظ کرده است. رقمی که بعدا در کمیسیون تحقیق مجلس به ۳۰ هزار میلیارد تومان تغییر یافت.

حال هزینه سالانه ۲۲ هزار میلیارد تومانی جمهوری اسلامی در سوریه را مقایسه کنید با رقم ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومانی که جهت تامین کانکس برای ۲ هزار نفر از زلزله زدگان کرمانشاه لازم بود. مردمان بی سرپناهی که در سرمای نفس گیر زمستان غرب کشور، طی چهار ماه گذشته بدون داشتن کمترین امکانات در چادر زندگی کرده اند و اکنون نیز در اوج استیصال و درماندگی اسپر سیلاب و آبگرفتگی شده اند. زلزله زدگانی که مدام بر رنج شان افزوده می شود و صد البته فریاد اعتراض شان هم به جایی نمی رسد. بیهوده نبود که توده های مردم ایران در خیزش انقلابی دیماه ۹۶ به درستی با سر دادن شعار "سوریه را رها کن، فکری بحال ما کن"، علیه سیاست مداخله گرانه جمهوری اسلامی در منطقه اعتراض کردند.

آنچه کارگران و توده های زحمتکش ایران طی چهل سال گذشته با آن مواجه بوده اند و اکنون مردم زلزله زده کرمانشاه با گوشت و پوست خود آنرا لمس کرده اند، تنها بی توجهی محض و اهمال جمهوری اسلامی در هنگام وقوع مشقات و آسیب های طبیعی از جمله سیل و زلزله نبوده است. طی این مدت، عملکرد هیئت حاکمه ایران فی نفسه فاجعه بارتر از هر سیلاب و زلزله ای بر سر توده های مردم آوار شده است.

کارگران و توده های ستمدیده مردم ایران اکنون بخوبی دریافته اند که زلزله واقعی همانا خود جمهوری اسلامی است که به صورت اختاپوسی هزار سر بر آنان آوار شده است، زندگی را بر کارگران و توده های زحمتکش تباه، ادامه معیشت را برای شان دشوار کرده و آزادی های فردی و اجتماعی آنان را در چنبره سرکوب، بی عدالتی و کشتارهای بی رحمانه خود گرفته است. رژیم می که توسعه طلبی، نظامی گری، ایجاد ناامنی در منطقه و گسترش سیاست پان اسلامیستی شیعه گری خود را در صدر برنامه ها و سیاست گذاری هایش قرار داده است. حاکمیتی که با صرف هزینه های کلان و اختصاص بودجه های پنهانی در سوریه، عراق، یمن، لبنان و حتی صرف هزینه در کشورهای دور افتاده آفریقایی، کارگران و توده های مردم ایران را در فقر و فلاکت نگه داشته است. نظامی که از یک سو، حاصل کار و تلاش کارگران و توده های زحمتکش را جهت نفوذ و رشد ارتجاع اسلامی در منطقه هزینه می کند و در همان حال کارگرانی را که برای دریافت ماه ها حقوق معوقه شان دست به تحصن و اعتراض می زنند، به اتهام "اخلال در نظم و امنیت کشور" سرکوب، بازداشت و مورد ضرب و ستم قرار می دهد.

رژیمی که برای تامین نیازهای اولیه و ضروری زلزله زدگان خساست می کند، مدام از خالی بودن خزانه دولت ناله سر می دهد و در همان

تالمات ویرانگر زلزله بر سر توده های محروم این منطقه آوار گردد. با جاری شدن سیل، معابر و چادرها دچار آبگرفتگی شدند، مدارس یا همان کانکس هایی که به عنوان مدرسه استفاده می شدند، تعطیل گشتند. توفان و سیل و آبگرفتگی چادرها سبب شد، تا همان حداقل امکانات زندگی زلزله زدگان نیز تخریب و شرایط برای آنان بازم وخیم تر از پیش گردد. در تمام این مدت مسئولان دولتی و حکومتی، فقط نظاره گر مرگ تدریجی توده های بی خانمانی بوده اند که از ۴ ماه پیش به این طرف، زیر فلاکت زلزله و ویرانی حاصل از آن دست و پا می زنند.

اینهمه فلاکت و بی خانمانی از جمله عدم تامین کانکس برای اسکان زلزله زدگان، در شرایطی به توده های زلزله زده کرمانشاه تحمیل شده است، که بر اساس داده های روزنامه آفتاب یزد، تامین هزینه کانکس برای اسکان ۲ هزار نفری که تاکنون در چادر زندگی می کرده اند، فقط ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است. روزنامه آفتاب یزد در مورخه ۹ اسفند ۹۶ با تیتیر بزرگ نوشت: در این مملکت ۶ میلیارد تومان پیدا نمی شود؟

همزمان با طرح پرسش فوق، این روزنامه همچنین با زدن یک تیتیر فرعی دیگر از مصوبه اخیر هیئت دولت در اختصاص دادن کمک مالی ۵ میلیارد تومانی به موسسه مطبوعاتی ایران خبر داد. خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل. وضعیت فلاکت بار توده های ستمدیده ایران علی العموم و زندگی سراسر رنج و مشقت بار زلزله زدگان مناطق غربی کشور علی الخصوص، امری نیست که از چشم هیئت حاکمه ایران پوشیده باشد. طی ۴ ماهی که از وقوع زلزله می گذرد، بویژه بعد از جاری شدن سیل و آب گرفتگی چادرهای مسکونی که تا کمر در آب فرو رفته اند، بسیاری از روزنامه ها و خبرنگاری های رسمی کشور نسبت به فاجعه ای که اکنون زلزله زدگان با آن مواجه هستند، واکنش نشان داده اند. این همه بی توجهی و عدم اختصاص ۶ میلیارد تومان برای سرپناه دادن به ۲ هزار نفری که زمستان سرد و سنگین کرمانشاه را بدون کانکس در چادرها بسر برده اند، در شرایطی است که جمهوری اسلامی هر ساله میلیاردها دلار برای توسعه طلبی و پیشبرد سیاست های تجاوزکارانه و پان اسلامیستی خود در منطقه هزینه می کند. هزینه هایی که تماما از معیشت و امکانات اولیه زندگی زلزله زدگان و توده های زحمتکش ایران چپاول می شود تا در سوریه و یمن مصرف گردند.

در مورد تامین بودجه پنهانی و صرف هزینه های میلیاردی جمهوری اسلامی در سوریه تاکنون آمارهای متفاوتی منتشر شده است. قابل اتکاترین رقمی که می توان به آن استناد کرد، برآورد دفتر نماینده سازمان ملل، استفان دی میستورا در امور سوریه است. سخنگوی این دفتر بر طبق برآورد سازمان ملل اعلام کرده است که، جمهوری اسلامی به طور متوسط "سالی ۶ میلیارد دلار" (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ بانک مرکزی) در سوریه هزینه

## کارگران وارد خیابان شده‌اند



زحمتکشان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان، بیکاران و جوانان جویای کار، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، ساکنین شهرها و روستاها، همه و همه، ناراضی و خواهان دگرگونی‌اند و اعتراض و ناراضی خود را در اشکال متنوعی، بویژه در شکل تجمع و راهپیمایی بیان می‌دارند.

کارگران پرچمدار بی‌چون و چرای این مبارزه هستند. اعتصاب، تجمع و سپس تظاهرات و راهپیمایی خیابانی با پرچمها و پلاکاردهایی که خواست کارگران بر آن نقش بسته است. این کار هر روزه کارگران است و دارد به روال عمومی مبارزات کارگری در سرتاسر کشور تبدیل می‌شود. روزی نیست که بدون چند اعتصاب و اعتراض کارگری سپری شود. اعتراضاتی که نه فقط از لحاظ کمی در حال افزایش و گسترش است، بلکه از نظر کیفی نیز وارد مراحل پیشرفته‌تری می‌شود.

در یک هفته اخیر، کارگران در دهها مورد دست به اعتصاب و تجمع و با راهپیمایی زدند. تجمعات پرشور کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، اعتراضات خیابانی کارگران شرکت واحد، اعتصاب و تجمع همزمان کارگران فولاد قزوین و کارگران آرمان شفق در مقابل استانداری ناکستان، اعتصاب و تجمع شبانه کارگران فریکو سیرجان تولیدکننده روغن خوراکی و ممانعت از بارگیری روغن، تجمع سراسری ۲۰۰ نفر از کارگران برق فشار قوی به نمایندگی از ۴۰۰۰ کارگر در مقابل وزارت نیرو، تجمع کارگران پتروشیمی های بندرماهشهر در مقابل فرمانداری، اعتصاب کارگران روغن نباتی نرگس شیراز، صدراي بوشهر، انبار نفت ارومیه، قطار شهری شیراز، لوله‌سازی بندر ماهشهر، پتروشیمی گچساران، پالایشگاه گاز ایلام، فولاد ارومیه، نساجی بروجرد، تجمع کارگران بازنشسته در مقابل مجلس و چند اعتصاب و تجمع و راهپیمایی در هفت‌تپه، از جمله اعتراضات کارگری است که خبر آن انتشار یافته است. تکتک این اعتراضات مهم‌اند که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرند. از میان مهم‌ترین اعتراضات کارگری هفته گذشته، دو نمونه ای که می‌تواند مختصات عمومی جنبش کارگری را در لحظه فعلی بهتر بازتاب دهد کمی مشروح‌تر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**گروه ملی صنعتی فولاد ایران:** نزدیک به ۵۰۰ تن از کارگران گروه ملی فولاد اهواز به نمایندگی از ۴۰۰۰ کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ایران (شامل کارخانه فولادسازی، نورد کوثر، نورد تیرآهن، کارخانه لوله‌سازی و کارخانه ماشین‌سازی) از روز چهارشنبه دوم اسفند ماه تجمعات اعتراضی پرشوری را در برابر استانداری خوزستان آغاز کردند. تجمعاتی که در روزهای بعد با راهپیمایی در خیابان‌های شهر اهواز همراه شد. در این اعتراضات کارگران شعارهای متنوعی سردادند مانند: "سفره ما خالیه - ظلم و ستم کافیه"، "موسوی حیا کن - گروه ملی را رها کن"، "استاندار بی‌عرضه نمی‌خوایم نمی‌خوایم"، "این همه

برمی‌دارند. اعتصاب و تجمع و راهپیمایی کارگران صنایع فولاد اهواز به روشنی نشان داد که هیچ نیرویی نمی‌تواند، در برابر جنبش پویا و تکامل یابنده طبقاتی کارگران سد و مانعی ایجاد کند. بر بستر دوران انقلابی که غرش زحمتکشان و تهیدستان شهری در آسمان کشور طنین‌انداز شد و نخستین جرعه انقلابی، برق از چشم طبقه حاکم پراند، هر اقدام سرکوب‌گرانه دستگاه حاکم، مقاومت مستحکم‌تر و اعتراضات شدیدتر و گسترده‌تری در پی خواهد داشت. اعتراض در صنایع فولاد اهواز ادامه خواهد یافت.

**شرکت واحد اتوبوسرانی تهران:** کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز ۱۲ اسفند، بیستمین روز اعتراض خیابانی و تجمع در برابر شهرداری و شورای شهر تهران را برگزار کردند. بیست روز پی‌درپی است که شماری از کارگران شرکت واحد برای پیگیری خواست مسکن حدود ۲۷۰ تن از کارگران این شرکت، در مقابل شهرداری و شورای شهر تهران دست به تجمع و گاه راهپیمایی زده و خواستار رسیدگی به خواست خود شده‌اند.

در پلاکارد بزرگی که کارگران با خود حمل می‌کنند نوشته شده "شهرداری و شورای شهر تهران باید پاسخگو باشند. ۵ سال است از موعد تحویل مسکن کارگران عضو پروژه سپیدار ۲ و ۳ تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی گذشته، اما همچنان بی‌خانمان هستیم. این تعاونی تحت کنترل مدیرعامل شرکت که منصوب شهردار است می‌باشد".

نهم اسفند که هجدهمین روز تجمع و اعتراض خیابانی کارگران شرکت واحد بود، یکی از کارگران که بلندگویی نیز در دست داشت خطاب به شهردار و شورای شهر تهران گفت: "آقایان شهرداری، آقایان شورای شهر، واقعا خجالت بکشید! الان هجده روزه این کارگران شرکت واحد که بعضی‌شان هم بازنشسته‌ن، ما همه حقوق‌مان را داریم می‌دیم اجاره خونه، چرا خجالت نمی‌کشین؟ چرا هیچ‌کس پاسخگو نیست؟ مگه شما مدیرعامل شرکت واحد را انتخاب نمی‌کنید؟ حتماً نمی‌تونید مدیری رو که انتخاب می‌کنید ازش سوال کنید. خجالت بکشید. ما باید به کی بگیریم درمونو؟ ما زیر مجموعه شهرداری هستیم. چرا هیچ توجهی نمی‌کنید؟ چرا این قدر تبعیض قائل می‌شید؟ پول ما را گرفتین، پنج ساله باید خونه را تحویل می‌دادین، ندادین. ۴ ساله داریم پیگیری می‌کنیم، نامه‌نگاری کردیم، نماینده‌های شهرداری ملاقات کردیم، با معاونین شما ملاقات کردیم...."

کارگران شرکت واحد در حین راهپیمایی شعار می‌دادند: "شورای شهر حیاکن، چاره کار ما کن"، "شهردار حیا کن، چاره کار ما کن". با وجود آن‌که ۵ سال از موعد تحویل مسکن به کارگران عضو پروژه سپیدار ۲ و ۳ می‌گذرد و به‌رغم اعتراضات مکرر کارگران، اما هنوز مسکنی تحویل آن‌ها داده نشده و ساخت خانه‌ها از سال ۹۰ نیمه کاره رها شده است.

ماجرای این قرار است که سال ۸۷ با موافقت شهردار تهران، دو قطعه زمین متعلق به شرکت واحد به مبلغ ۷۵ میلیارد تومان به شهرداری منطقه ۴ واگذار گردید، مشروط بر آن‌که با برنامه‌ریزی مدیریت شرکت واحد، این مبلغ

بی‌عدالتی هرگز ندیده ملت"، "حسین حسین شعارشون، دزدی افتخارشون" کارگران همچنین با دو شعار طنزآمیز "درود بر سمتگر، مرگ بر کارگر" و "حقوق به ما نمیدن - مرگ بر آمریکا"، رژیم مستبد حاکم را به سخره گرفتند. در تمام این اعتراضات مسالمت‌آمیز، کارگران فقط خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود بودند. دستمزد آذر، دی و بهمن و همچنین حق سنوات، پاداش و عیدی پایان سال به کارگران پرداخت نشده است. در اثر پی‌گیری و اعتراض مستمر کارگران، تنها حقوق آذر ماه آن‌ها پرداخت شد. اما همزمان با آن نیروهای امنیتی و سرکوب، شبانه به منازل کارگران یورش بردند و حدود دمتن از فعالان اعتصاب را بازداشت و به زندان مرکزی اهواز منتقل کردند. دوازدهم اسفند، "فرهاد افشارنیا" رئیس‌کل دادگستری خوزستان که از تجمعات و شعارهای کارگران به شدت برافروخته بود، تجمعات کارگران را غیرقانونی خواند و تهدید کرد که "تجمع کردن و شعار دادن سبب بروز مشکلات بیشتری برای کارگران خواهد شد".

دستگاه سرکوب قضایی و امنیتی و جبرمخواران رژیم، بر این خیال باطل بودند که با این دستگیری‌ها و تهدیدها می‌توانند کارگران را مرعوب سازند. اما تجمعات اعتراضی و راهپیمایی کارگران، با شور و حرارات بیشتری، این بار با شعارهای جدیدتری ادامه یافت. کارگران شجاع و آگاه صنایع فولاد اهواز در تجمعات روز ۱۲ اسفند و در دفاع از رفقای خود که در شیخون شبانه بازداشت شده بودند، شعار می‌دادند "کارگر زندانی، حمایت‌ات می‌کنیم". کارگران که پلاکاردهای متعددی را همراه داشتند و هنگام راهپیمایی، شماری از خانواده‌ها نیز آن‌ها را همراهی می‌کردند، یکپارچه شعار می‌دادند "کارگر زندانی آزاد باید گردد". "دزدا بیروند - کارگران زندونند"، "ما کارگریم نون می‌خوایم - دوا و درمون می‌خوایم" از جمله شعارهای دیگر کارگران بود و بالاخره با شعارهای هشدارگونه "مرگ بر موسوی"، "نیروی انتظامی به هوش باش، ما کارگریم نه اوباش"، "می‌ایستیم می‌میریم، حق منو می‌گیریم!!" نشان دادند که نه فقط مرعوب بازداشت و تهدید و پی‌گرد دستگاه سرکوب نمی‌شوند، بلکه هر روز و هر لحظه گام‌های جدیدی در مسیر اعتلاء مبارزه، اتحاد و تعمیق و تکمیل شناخت خود از مناسبات موجود

## کارگران وارد خیابان شده‌اند

صرف هزینه مسکن کارگران شرکت واحد شود. مدیریت شرکت تصمیم گرفت از محل این پول، تسهیلات بلاعوض مسکن که شهرداری مقرر کرده بود، در اختیار کارگران قرار دهد. در عین حال برای دریافت تسهیلات، بنابه تصمیم مدیریت کلیه کارگران می‌بایستی حتماً به عنوان عضو در تعاونی مسکن شرکت واحد ثبت‌نام می‌کردند. کارگران شرکت واحد در تعاونی مسکن کارگران به عنوان اعضای تعاونی در تعیین هیات مدیره و تصمیمات آن نقشی ندارند و در عوض ۳۰ تن از مدیران در تعیین این هیات، صاحب رای هستند. تعاونی مسکن، هنگام آغاز پروژه مسکن سپیدار ۲ و ۳، هر متر مربع آپارتمان‌هایی که قرار بود ساخته شود را به ۶۵۰ هزار تومان به کارگران فروخت. در حالی که قیمت‌ها در منطقه فوق ۴۵۰ هزار تومان بوده است. علاوه بر این کلاهبرداری، اکنون درصد است بیش از دو برابر مبلغ تعیین شده اولیه از کارگران بگیرد که البته به هیچ‌وجه مورد قبول کارگران نیست. در هر حال روشن است که با توجه به این‌که شرکت واحد جزو شرکت‌های تابعه شهرداری تهران است، بنابراین شهرداری و شورای شهر در قبال مشکلات بوجود آمده برای کارگران مسئول هستند. در حالی که روز شنبه اعتراض خیابانی کارگران شرکت واحد وارد بیستمین روز خود شد، اما هنوز هیچ مقامی در شرکت واحد، با شهرداری و شورای شهر تهران به خواست کارگران رسیدگی نکرده است. البته این نخستین بار نیست که سندیکای کارگران شرکت واحد، در رابطه با مسکن کارگران این شرکت اعتراضاتی را سازمان می‌دهد. سندیکا با شعار "یک مسکن مناسب حق مسلم ماست" که خواست عموم کارگران این شرکت است، دهه‌ها تجمع و راهپیمایی بزرگ را سازمان داده و یا در شکل سمبلیک با روشن کردن چراغ اتوبوس‌ها و رانندگی با سرعت کم، اعتراضات متعددی را برگزار نموده است. پس از یک رشته فعالیت‌ها و پیگیری مستمر کارگران و سندیکای آن‌ها، در شهریور سال ۹۴، ستاد ساماندهی مسکن کارکنان شهرداری تهران مصوبه‌ای را به تصویب رساند که مطابق آن بیش از ۶ هزار تن از رانندگان و کارگران شرکت واحد، از تسهیلات بلاعوض مسکن بهره‌مند گردند. اما با گذشت بیش از سه سال، این مصوبه نیز اجرایی نشده است.

تجمعات و راهپیمایی بزرگ کارگران شرکت واحد در ۱۴ آذر ۹۵ در برابر شهرداری و شورای شهر تهران نیز که در آن صدها تن از کارگران شرکت کرده بودند، مورد حمله شدید و وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت که تعدادی از کارگران بازداشت و شمار زیادی نیز مصدوم و روانه بیمارستان شدند. اما سندیکای

## گزارش کوتاهی از تجمع کارگران فولاد خوزستان

"ما کارگریم نون می‌خوایم- دوا و درمون می‌خوایم". دوازده روز از اعتصاب و تجمع هر روزه کارگران نورد لوله اهواز جلو استانداری می‌گذرد. "ام الفساد اهواز، همین جاست، همین جاست." این کارگران امروز شنبه دوازده اسفند نود شش مجدداً جلو استانداری تجمع نمودند، در حالیکه دیروز در هیئت جمعی و با لباس کار همراه با پلاکاردهای اعتراضی که در دست داشتند، مانع حضور آنان به محوطه نماز جمعه شدند. پنجشنبه شب تعدادی از همکاران آنان شبانه در خانه هایشان توسط نیروهای اطلاعات ربوده شدند. این کارگران امروز در تجمعی وسیعتر از روزهای گذشته با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و... شعار های صنفی و سیاسی رادیکالتری در تداوم مبارزه روزهای گذشته تجمع اعتراضی برگزار کردند. بلوار جلو استانداری و خیابان اصلی کیان پارس برای ساعتی بعلت تجمع کارگران بسته شد. در ساعات نزدیک به ظهر این کارگران تصمیم داشتند بطور جمعی و با اقدام به یک راه پیمائی اعتراضی به طرف دادگاه انقلاب حرکت نمایند- که بعلت تردد و عدم قاطعیت منصرف شدند و دوباره جلو استانداری تجمع نمودند. پلاکاردها و نوشته‌هایی که این کارگران در دست داشتند- "سال تولید ملی، با خاموشی گروه ملی"، وضعیت اسفبار کارخانه نورد لوله اهواز و کارگران شاغل در این مرکز

ارباب و تهدید و محاکمه و زندان اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، بی‌تردید مبارزه کارگران شرکت واحد و سندیکای آن‌ها برای خواست مسکن و سایر مطالبات این شرکت ادامه خواهد یافت. روحیه اعتراضی و همبستگی در میان کارگران پیوسته در حال افزایش است. جنبش کارگری باشتاب کم سابقه‌ای در حال پیشروی است. اگر در اردوی کار شاهد تقویت همبستگی و روحیه اعتراضی کارگران و گسترش اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی هستیم، اردوی مقابل اما که در هراس از گسترش و عواقب این اعتراضات به سر می‌برد، در بن‌بستی لاعلاج گرفتار آمده، دچار سرگیجه است و روحیه‌اش را تا حدی از دست داده است. واقعیت این است که دوران انقلابی جدیدی که با خیزش‌های توده‌ای و اعتراضات گسترده بیکاران و فقیرترین زحمتکشان شهری در سرتاسر کشور نمود علنی یافت، ناقوس مرگ رژیم را نیز به صدا درآورد!

فعالان سازمان فدائیان (اقلیت) داخل کشور  
۹۶/۱۲/۱۲

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## کارگران وارد خیابان شده‌اند



بحران اقتصادی و تضادهای درون حکومتی تشدید شده است. ناتوانی رژیم در پاسخگویی و برخورد به معضلات جامعه، بر همگان آشکار شده به نحوی که از درون نظام حاکم نیز این نداها به گوش می‌رسد که رژیم جمهوری اسلامی به معنای واقعی به بن‌بست رسیده است. از سوی دیگر وضعیت معیشتی اکثریت توده‌های مردم مدام وخیم‌تر شده است. فشار بر توده‌های زحمتکش و نارضایتی در میان آن‌ها فوق‌العاده تشدید شده است. فقر و بیکاری و تنگدستی امان مردم را بریده و کارد را به استخوان رسانده است. دستمزدهای کارگری به هیچ‌وجه پاسخگوی هزینه‌ها نیست. استثمار حداکثری و دستمزدهای ناچیزی که به موقع پرداخت نمی‌شود، خانواده‌های کارگر را به تنگدستی و گرسنگی و زندگی در زیر خط فقر رانده و آن‌ها را مستاصل نموده است. بعد از خودسوزی و فروش کلیه در شرکت نیشکر هفت‌تپه، باردیگر شاهد خودکشی در این شرکت هستیم. علی‌نقدی کارگر نی‌پر هفت‌تپه با ۲۵ سال سابقه کار و سه فرزند که کارفرما چندین ماه دستمزد وی را

نپرداخته بود، وقتی که تلاش‌اش برای گرفتن مساعده از حسابداری در روز هشتم اسفند بی‌نتیجه ماند، خود را به نهر آب پرتاب کرد و به زندگی خود پایان داد. شرایط حاکم و تلاطمی که در اعماق جامعه وجود دارد، اینجا و آنجا و در اشکال مختلفی از مبارزه، سر باز می‌کند. کارگران و

در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایند.

دانمارک:

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:  
NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://t.me/fadaian\\_aghaliyat](http://t.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 764 March 2018



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)

[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و آمریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی